

دیران و منشیان رسمی دربار از خطر نجات داده‌اند و همین‌هاست که اکنون به طور پراکنده در مجموعه‌ها و جنگها جای گرفته‌اند. و البته گردآوری آنها از عهده پژوهشگران مستقل خارج است و باید مرجعی دولتی این کار خطیر را عهده‌دار شود.

آنچه از نامه‌های اداری و منشآت دیوانی مربوط به تاریخ ایران بر جای مانده، بیشتر از عصر تیموریان به بعد است. مدارک مربوط به دوره‌های پیش از آن پراکنده و اندک است. اسناد عصر تیموری و ادوار بعد هم به شیوه محققانه گردآوری نشده و یکجا به چاپ نرسیده است. جای آن دارد که همه آنها نیز از میان کتب و منابع گوناگون دوره تیموریان، به‌ویژه مجموعه‌ها و جنگهای خطی، استخراج شود و در یک دوره منظم به چاپ رسد و طبیعی است که تولیت چنین مهمی تنها از عهده سازمانی متشکل از محققان دلسوز و علاقه‌مند برمی‌آید.

با استقرار سلسله قاجاریه و ایجاد یکپارچگی ملی و تعیین مرزهای بالنسبه ثابت و دائم، حکومت بادوامی در ایران تشکیل گردید. از این زمان به موازات برخی تحولات و تغییرات در نظام اداری کشور، فکر گردآوری مرتب اسناد و مدارک دولتی در ذهن شاهان این سلسله و دولت‌مردان وقت راه یافت و به تدریج کارهایی صورت گرفت. در دوره فتحعلی‌شاه، کتابخانه سلطنتی ایران - که غیر از کتاب، مدارک دیگر هم در آن نگهداری می‌شد - رسماً از پراکندگی نجات یافت، سازمان منظمی به خود گرفت و ریاست آن را صدر اعظم وقت عهده‌دار شد و در کنار آن دایره بیوتات با وظایفی که در ابتدا دقیق و مشخص نبود، شکل گرفت. از این زمان نامه‌ها و فرامین پادشاهان، گزارشهای حکام ایالات و ولایات و نامه‌ها و شکوایه‌های مردم دور ریخته نمی‌شد، بلکه پس از رسیدگی در دواثری، هرچند نامنظم، نگهداری می‌شد.

با شروع آشنایی ایرانیان با دنیای غرب و ملاحظه تمدن غربی و پیشرفتهای آن طبعاً احساس شدید عقب‌ماندگی در دل روشنفکران و سایر آشنایان با کشورهای غربی پدید آمد. در پی آن، و به منظور مقابله با عقب‌افتادگی، هرگروه و دسته و فردی در پی چاره‌اندیشی برآمد. نخست رساله‌ها و کتابچه‌هایی متضمن مباحث گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و حقوقی تدوین شد. تعداد اندکی از آنها در همان روزگار یا بعداً به چاپ رسید. اما بیشتر آنها که برای آگاهی شخص شاه یا روشن‌شدن افکار مردم تدوین شد هنوز هم ناشناخته و به صورت خطی برجای مانده است. مطالعه و بررسی دقیق آنها برای شناخت سیر اندیشه اجتماعی و سیاسی در ایران ضروری است و باید هرچه زودتر نسبت به گردآوری و نشر آنها اقدام عاجل کرد.

✱

اما فکر گردآوری اسناد به طور رسمی و نگهداری آنها، با شروع

نخستین بایگانی ملی در ایران

سیدعلی آل داود

سابقه گردآوری اسناد و مدارک تاریخی در برخی از کشورها به چندین قرن پیش می‌رسد. در این کشورها، علائق فرمانروایان یا کوشش و توجه دیوان‌سالاران و روشنفکران ذی‌نقوذ در دستگاه دیوان، سبب تشویق گروهی از دست‌اندرکاران گردآوری و تدوین اسناد دولتی بوده است. اما نکته مهمتر که به هر حال عامل اصلی حفظ اسناد در کشورها بوده است آرامش دیرپا و تثبیت حکومتها در چندین قرن متوالی است. اگر کشوری همچون ایران، که همواره در طی تاریخ در منطقه سوق‌الجیشی مهمی جای داشته و تاختگاه مهاجمان و پیوسته در معرض یورش و غارتگری آنان بوده، بایگانی اسناد نداشته است و یا آنچه بوده از میان رفته است جای شگفتی نیست.

متأسفانه بخش زیادی از مدارک مکتوب تاریخی به این ترتیب نابود شده است. وانگهی آشکار است که، گذشته از اسناد و اوراق مختلف، کتب متعددی چه در ایران قبل از اسلام و چه در دوران اسلامی بر اثر این تهاجمات و غارتگریها از میان رفته و حتی نام بسیاری از آنها اکنون شناخته نیست، به گونه‌ای که امروز برخی از کوتاه‌نظران با اهداف خاص و شاید با حمایت غیر رسمی با استفاده از کمبود منابع به تحریف، و به قول خودشان، به بازبیرایی تاریخ ایران روی آورده‌اند و داستانهایی می‌پردازند که هرچند محققان و آگاهان مباحث تاریخی آنها را به دیده تمسخر می‌نگرند، لیکن در اذهان اشخاص بی‌اطلاع خالی از تأثیر نامطلوب نیست.

به این سبب گردآوری اسناد تاریخی موجود، کشف نسخه‌های خطی تاریخی دور از دسترس، استخراج اطلاعات تاریخی از متون ادبی و منظم‌کردن آنها، گردآوری منشآت و نامه‌های دیوانی، به‌ویژه آنها که در جنگها و مجموعه‌های ادبی نهفته است، از جمله واجبات است. طبیعی است که بسیاری از این اسناد به هنگام انقراض سلسله‌ها که همواره با جنگ و خونریزی توأم بوده از بین رفته است. لیکن دسته‌ای از آنها را گروهی از دیوانیان، خاصه

دهه دوم پادشاهی ناصرالدین شاه، پدید آمد. نارسایی در نظام اداری و دیوانی کشور که از چشم روشنفکران پنهان نمانده بود، در این زمان موجب جلب توجه شخص او گردید و شاید سیاست پیشگان روشنفکر و آشنا با اندیشه‌های غربی در القای این افکار به شاه مدخلیت داشتند. لیکن براساس مدارک موجود و مندرجات اسناد، باید به صراحت گفت که ناصرالدین شاه، از روی علاقه شخصی، نخست واحدی غیررسمی تشکیل داد و چند تن از کارمندان دربار و هنرمندان نامی چون محمودخان ملک الشعراء، شاعر نامی آن عصر، را به خدمت در آن منصوب کرد. این واحد بعدها گسترش یافت و جزو اداره‌ای از دوایر بیوتات سلطنتی درآمد، به گونه‌ای که امروزه می‌توان ادعا کرد که نظام بایگانی و نگهداری اسناد در ایران دنباله همان کوششهایی است که در یکصدواند سال قبل صورت گرفته است.

ناصرالدین شاه البته پادشاهی مستبد بود، لیکن گاه کوششهایی، بعضاً ناموفق، در راه اصلاح نظام اداری و سیاسی کشور به کار می‌برد. او نخستین بار پس از برکناری صدراعظم انگلیسی‌مآب خود - میرزا آقاخان نوری - در سال ۱۲۷۵ ق. دارالشورای دولتی را تشکیل داد و با نصب چند وزیر به اداره کشور بدون حضور صدراعظم پرداخت. او می‌خواست با ایجاد این تحولات نظم و نسقی در نظام اداری کشور بدهد. تحقق این اندیشه‌ها با سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ و ملاحظه شیوه‌های اداری کشورهای فرنگی شتاب بیشتری گرفت. هرچند که در نهایت امر، به سبب بنیاد استبدادی حاکم در ایران، این اصلاحات به ثمر نرسید و تنها کاربرد عملی و مفید آن ایجاد دوایری چون بایگانی بود.

به این ترتیب واحد بایگانی در دایره بیوتات سلطنتی شکل گرفت و کلیه اسناد و مدارک دولتی گردآوری و در دو محل جداگانه در دو بخش بایگانی می‌شد: بخش نخست شامل کلیه اسناد سیاسی روابط خارجی و مکاتبات سفارتخانه‌ها بود، یا آنها که سفیران ایران از کشورهای انگلیس، فرانسه، روسیه و عثمانی یا احیاناً کشورهای دیگر می‌فرستادند؛ این قبیل مدارک و گزارشها در بایگانی وزارت خارجه نوپای ایران گرد می‌آمد. این دسته حاوی اسناد ارزشمندی است و تا جایی که اطلاع داریم به خوبی از آنها نگاهبانی شده است، لیکن از موجودی آن آگاهی دقیقی در دست نیست. در حدود پنجاه سال پیش شادروان عباس اقبال، در دوره وزارت خارجه علی‌اصغر حکمت، به آنجا راه یافت و برای تدوین کتاب امیرکبیر خود از آنها بهره بسیار برگرفت. در سالهای بعد دکتر فریدون آدمیت و احتمالاً برخی از محققان دیگر دسته‌ای از اسناد آنجا را ملاحظه و منتخبات اندکی از آنها را منتشر کردند. لیکن مجموعه همچنان دست‌نخورده باقی مانده است، و با این‌که



برادر احمد ارشد کاظمی قهرمان برادرش محمد علی
سال برادران را خود ثبت کرده و یادگار

از احمد ارشد کاظمی در عهد است برادران ناصرالدین شاه
در این کتاب یادگار

ما به کمال خوشی در دار خود
لند اسرار و اسرار و اسرار

و این کتاب را در این کتاب
در این کتاب یادگار

در این کتاب یادگار
در این کتاب یادگار

در این کتاب یادگار
در این کتاب یادگار

در این کتاب یادگار
در این کتاب یادگار

در این کتاب یادگار
در این کتاب یادگار

در این کتاب یادگار
در این کتاب یادگار

نامه محمدشاه قاجار به برادرش قهرمان میرزا (صفرالمظفر ۱۲۵۶)، از اسناد آلبوم ۱۲۵ بیوتات

در سالهای اخیر اداره انتشارات وزارت خارجه همتی به خرج داده و مجلداتی برگزیده را انتشار داده، هنوز هم از محتوای دقیق و میزان آنها اطلاعی به پژوهشگران ارائه نمی‌شود. جای تردید نیست که هر کشوری مصالحی ملی دارد و در انتشار اسناد خود باید این مصالح را رعایت کند؛ لیکن حدود این ملاحظات در اسنادی که اکنون بیش از صدسال از عمر آنها گذشته است باید شناسایی و برای متصدیان این مراکز تبیین شود تا آنان بتوانند اهل تحقیق را با بهانه‌های غیرمنطقی ناامید گردانند.

بخش دوم اسناد گردآوری شده مدارک و گزارشهای داخلی است که از آن عصر تاکنون دچار پراکندگی بیشتر شده و آنچه فعلاً

صدور، نهادهای گوناگون اجرا می‌کردند. احکام دشوار را معمولاً مجتهدان صادر می‌کردند و اجرای آنها را از حکام می‌خواستند. ادارهٔ دربار شاه، شیوهٔ هزینه‌کردن در آنجا، اصطیل و نگهداری اسبان شاهی، نامه‌نگاری به شاه و به صدراعظم و رجال دیگر، نوع ارتباط زنان شاه با شاه و دربار، علائق خاص ناصرالدین‌شاه در ادارهٔ امور کشور و بسیاری مطالب دیگر دیده می‌شود.

معمولاً در هر آلبومی اوراچی به حوادث روزانهٔ کشور اختصاص داشته، اینها گزارشهای روزانه است که دوائر مختلف و مخصوصاً دستگاه انتظامی تهیه و برای شاه و صدراعظم می‌فرستادند. این گزارشها به عنوان «روزنامهٔ وقایع کشور یا برخی شهرها» خوانده شده و معمولاً هنگامی که شاه در سفر بوده برایش فرستاده می‌شده است. ناصرالدین‌شاه چنانکه از زندگینامهٔ او برمی‌آید کثیرالسفر بوده و همواره به مسافرتها داخلی رغبت و شوق نشان داده است. او برای برخی از سفرهایش، سفرنامه‌های خوبی تنظیم کرده که از فواید فراوان آنها به‌ویژه برای شناسایی راهها و روستاها نمی‌توان غافل ماند. برای تعدادی از سفرهایش مجال سفرنامه‌نویسی پیدا نکرد و خاطرات و دیده‌هایش جایی ضبط نشد، اما در اسناد این آلبومها اطلاعات خوبی از این سفرهای بعضاً کوتاه در دست است؛ به‌خصوص آن‌که در هنگام سفر وی به خارج تهران، صدراعظم یا نایب‌السلطنه یا رجال دیگر موظف بودند که روزانه گاه تا سه‌بار در ساعات مختلف حوادث کشور و کارکرد دولت را به او گزارش دهند و دستورالعمل دریافت کنند. چنانکه از دقت و مقایسه در مضامین و تواریخ این اسناد برمی‌آید او گاه مثلاً در ساعت ده صبح گزارشهای ارسالی از تهران را در نزدیکی جاجرود و نوبت دوم و سوم را در نزدیکی شهرستانک و گاه زیر روشنایی ماهتاب دیده و دستور داده است.

این آلبومها تقریباً از حیث تاریخی و گاه موضوعی مرتب شده است. اما پراکندگیها و آشفتگیهایی نیز در ترتیب آنها مشاهده می‌شود. نخست برخی اسناد بازمانده از اواخر عصر آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه گردآوری و تجلید شده است و سپس به مدارک دورهٔ محمدشاه پرداخته‌اند. از اوائل دورهٔ ناصرالدین‌شاه تا سال آخر دورهٔ پادشاهی او اسناد تقریباً در سه ردیف معین تنظیم شده است: ۱) حوادث روزانه به صورت تاریخی، و گاه در یک جلد فقط حوادث یک ماه کشور مضبوط شده است. ۲) حوادث مناطق مختلف و شهرها در مجلدات جداگانه مرتب گردیده است. ۳) گاه موضوعات معین از جمله اسناد موقوفه یا گزارش و سفرنامهٔ یک فرد در مجلدی خاص تجلید شده است.

برخی از اوراق موجود ظاهراً فرسوده و برای تجلید و ضبط در آلبومها مناسب نبوده، از این رو ناصرالدین‌شاه عده‌ای را مأمور گردآوری و برخی دیگر را به کار ترمیم و وصله‌کردن اسناد و

موجود است در چند مرکز و سازمان مختلف پراکنده است. لیکن بخش عمدهٔ آن، که اساس بایگانی عصر ناصرالدین‌شاه را تشکیل می‌داد در دایرهٔ بیوتات کاخ گلستان بود و در سالهای اخیر قسمتهای قابل ملاحظه‌ای از آن به سازمان اسناد ملی ایران انتقال یافته است. تعداد مجلدات منتقل شده بالغ بر ۳۶۰ مجلد و در موضوعات گوناگون است.

مجموعهٔ آلبومهای بیوتات از آغاز با نظم خاصی تدوین شده است. ابتدا مدارک برجای مانده از دوره‌های پیش را در مجلدات خاصی تنظیم کرده‌اند. شیوهٔ قرارگرفتن این مدارک به سبب آن‌که برخی بی‌تاریخ است کاملاً دقیق نیست ولی کوشش شده است که مدارک مربوط به یک دورهٔ زمانی در کنار هم قرار گیرد. در همین زمینه هم گاه جزئیات بیشتری مراعات شده و اسناد یک دورهٔ زمانی از حیث موضوعی نیز تفکیک شده است. با این اوصاف از چگونگی اجرای این کار و مجریان آن اطلاعات دقیقی نداریم. قدر مسلم آن است که ناصرالدین‌شاه خود بدین‌کار علاقهٔ وافری نشان می‌داد و برکار مجریان نظارت تامه و دقیق داشت. بر حواشی بیشتر این مدارک شخصاً دستورهایی صادر کرده و پس از آن مسئولان به ضبط و بایگانی آنها پرداخته‌اند. اکثر آلبومهای موجود در قطع رحلی بزرگ و وزیری بزرگ و تعداد اندکی در قطعی کوچکتر است. اوراق اسناد معمولاً روی برگهای ضخیم آلبومها از دوسو چسبانده شده و اگر مهری در پشت آنها وجود داشته، جای مهر را نیز در پشت هر برگ خالی گذارده‌اند تا قابل رؤیت و خواندن باشد. به این ترتیب معلوم می‌شود که ترتیب‌دهندگان آلبومهای اسناد در کار خود تخصص و مهارت پیدا کرده بودند.

از اسناد مندرج در این آلبومها فواید بسیار و بی‌شمار برمی‌آید. گویان که منابع و مأخذ تاریخی برای دورهٔ قاجار فراوان است و هنوز بخش عمدهٔ آنها به چاپ نرسیده است، لیکن فوایدی که از انتشار این‌گونه مدارک برمی‌آید بیشتر است و برای نگارش تاریخ حقیقی این دوره در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد. در این اسناد از جمله مطالب و اطلاعات فراوانی راجع به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در سدهٔ سیزدهم، ورود صنایع جدید به ایران، اطلاعاتی دربارهٔ ضرابخانه و ورود چرخ سکه‌زنی به ایران، گمرک و صادرات و واردات، جلوگیری از خروج طلا از کشور، تاریخ قشون و تأسیسات جدید نظامی در ایران، قواعد و قوانین و مقرراتی که برای اهل قشون وضع شده، صنایع ملی آن روزگار از جمله تفنگ‌سازی، چقماق‌سازی، اخبار دخل و خرج کشور، بودجه‌بندی در سالهای مختلف، اطلاعات مربوط به پلیس و نیروی انتظامی، اخبار عدلیه و نوع دعاوی و شیوهٔ رسیدگی به آنها، شیوهٔ اجرای احکام و نهاد اجرایی آن احکام مختلف را پس از

ارائه دقیق تاریخها عاجز مانده‌اند. از اطلاعات مندرج در حواشی و متن برخی از اسناد برمی‌آید که چند تن در دایره بیوتات به کار گردآوری آلبومها سرگرم بوده‌اند، لیکن نقش اصلی را محمودخان ملک‌الشعرا برعهده داشته که کار تنظیم نهایی و چسباندن اوراق و تجلید آلبومها وظیفه او بوده است. محمودخان هنرمندی ماهر بود و از جلدی که برای برخی از این مجلدات ساخته، هنرمندی او آشکار می‌شود.

آنچه از مجموعه این اسناد و موجودی این مجلدات برمی‌آید، کار گردآوری اسناد دولتی تا واقعه کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۳ق ادامه داشته و پس از آن شاه بعدی و مسئولان علاقه‌ای به این مهم نشان نداده‌اند. تنها چند مجلد آلبوم اسناد را، کسانی که به این کار سرگرم بوده و علاقه‌مند شده‌اند، در عصر مظفرالدین شاه گردآوری کرده و به او تقدیم داشته‌اند و معلوم می‌شود که او هم توجهی نشان نداده و دیگر دنباله کار به طور رسمی رها شده است. در عصر مشروطه تا انقراض قاجار این وظیفه را همچون ادوار سابق اشخاص علاقه‌مند و به‌خصوص در این زمان روزنامه‌نگاران انجام می‌دادند که رسیدگی به کارنامه کارهای آنان مجال دیگری می‌طلبید. در نوشته دیگری آلبومهای مهم اسناد را بررسی و مدارک مهم آنها را که حاوی آگاهیهای قابل توجه از تاریخ دوره قاجار است عرضه می‌داریم.

مدارک بازمانده مأمور کرده است. چنانکه نامه‌ای از او در دست است که در آلبوم شماره ۱۷۰ درج شده و براساس آن او به دوستعلی‌خان معیرالممالک دستور گردآوری نامه‌های امیرکبیر را داده و معیر نامه‌های بسیاری به دست آورده و در آلبوم مذکور چسبانده است. نگارنده این سطور با بررسی بیشتر و ضمن مطالعه اسناد موجود در کتابخانه مجلس دریافت که معیرالممالک در آن هنگام اکثر مدارکی را که از امیر پیدا کرده بود به شاه تسلیم نکرد بلکه خود آنها را نگهداری کرد. سالها بعد، مجموعه او را نوه‌اش دوستعلی‌خان معیرالممالک دوم به کتابخانه مجلس واگذار کرد و اکنون در این کتابخانه نگهداری می‌شود. شیوه تجلید و تنظیم آن همانند آلبومهایی است که اکنون از کاخ گلستان به سازمان اسناد منتقل شده است.

در ترتیب آلبومهای اولیه که حاوی اسناد و مدارک ادوار سابق است، آشفتگیهایی دیده می‌شود، ظاهراً اشکال اصلی در این بود که نامه‌ها کلاً فاقد تاریخ بوده است و می‌بایست براساس و به کمک قرائن دیگر شناخته و منظم شود. با این وصف همین ترتیب فعلی هم که در آنها اعمال شده راهگشا و قابل تمجید است. در آغاز هر بخش اشاره‌ای کوتاه به تاریخ ماهانه گزارشها شده است. هر آلبوم یک مقدمه مختصر دارد و سپس به اجزای مختلف که گاه ناسی قسمت می‌شود تقسیم شده است. اما گاه تدوین‌کنندگان از

«اشراق و عرفان»

(مجموعه مقالات و نقدها)

تألیف: نصرالله پورجوادی

شامل هجده مقاله، تصحیح مجدد دو اثر فارسی شیخ اشراق («رسالة في حالة الطفولية» و «لغت موران») و شش نقد کتاب.

● بعضی از مقاله‌ها

- انوار درونی از نظر سهروردی و ابن‌سینا
- تصوف اشراقی در مثنوی «طریق‌التحقیق»
- حسن و مراتب ادراک آن
- عرفان خواجه‌نصیر در «اوصاف‌الاشراف»
- یادداشت‌هایی درباره اشعار فارسی شیخ اشراق
- عبدالرزاق کاشانی و شیخ اشراق
- «مونس‌العشاق» سهروردی و تأثیر آن در ادبیات فارسی
- روحانیت کیخسرو در «شاهنامه» و سنت اشراقی
- مسئله انتساب «رسالة‌الابراج» به شیخ اشراق
- مآخذ غیاث‌الدین دشتکی در «مقامات‌العارفین»